

هارمونی یا قیل و قال : آموزش موسیقی در دارالفنون

نوشته: مریم اختیار
ترجمه: صفورا فضل‌اللهی

تأسیس گروه موسیقی نظامی در سال ۱۲۳۵ ه. ش در مدرسه دارالفنون که اولین مدرسه به سبک اروپایی جهت آموزش عالی بود دوران تازه‌ای را در تاریخ موسیقی نظامی ایران رقم زد. این رویداد بخشی از برنامه گسترده اصلاحات نظامی و آموزشی بود و جزء اساسی جهت دوره‌های آموزش موسیقی محسوب می‌شد. در بعضی محافل، موسیقی نظامی به سبک اروپایی چالش و جایگزینی برای موسیقی نقاره‌خانه سلطنتی تلقی می‌شد.

موسیقی نظامی یا موسیقی رزمی در ایران تاریخ طولانی دارد. پادشاهان باستانی ایران زمین، پژواک بلند شیپورها و طبل‌ها را به نشانه مانور نظامی یا حمله و آماده‌باش می‌گرفتند که نمادی از همبستگی نظامی، شجاعت سلطنتی و پیروزی بود. بنا به گفته مورخ یونانی گزنفون (Xenophon)، کوروش کبیر فرمانروای هخامنشی دستور داده بود تا به هنگام طلوع خورشید در شیپورها پدمند تا سربازان از خواب برخیزند و مشغول نگهداری شوند. او همچنین برای افزایش روحیه سربازانش و افکندن ترس به سپاه دشمن وابسته به نوازندگان رزمی‌اش بود.^۱

موسیقی نظامی کارکردهای دیگری نیز داشت که بسیاری از آنها به دوران اسلامی منتقل شدند. از موسیقی نظامی برای اعلام اوقات روز استفاده می‌شد. طبل‌ها و شیپورها همانند ناقوس کلیسا یا زنگ ساعت در اوقات خاصی از روز به صدا درمی‌آمدند. در ابتدا زرتشتیان که به هنگام ساعت یا گاه نیایش

1 - Xenophon, Cyropaedia, tr. W. Miller (Cambridge, Mass, 1919, Repr. 1989), 2: 65, 217.

طلبل‌ها و شیپوره‌ایشان را می‌نواختند چنین استفاده‌ای از موسیقی نظامی را باب کردند. در دوران آغازین اسلامی خلیفه‌ها، امیران و فرمانروایان محلی نیز همین شیوه را به کار بستند. گروه موسیقی امیر آل‌بویه، *آزادالدوله* (۸۳- ۹۴۹ م/ ۷۲-۳۳۸ ه.ق)، متشکل از ابزارهای مختلفی هم‌چون طبل، شیپور، کرنا و نی بود که سه بار در روز به هنگام نماز و فقط در اقامتگاه امیر نواخته می‌شد.^۱ در تصویری از کتاب *مقامات حریری* اثر یحیی بن محمود *واسطی* (۳۷- ۱۲۳۶ م/ ۵۶۳۴ ه.ق) که منسوب به دوران خلیفه منتصر در بغداد می‌باشد اسب‌سواران و ساربانان قافله حج را نشان می‌دهد که بیرق در دست گرفته شیپور، نقاره و جغجغه می‌نوازند (تصویر یک).

در سراسر دوران آغازین اسلامی و تا قرن نوزدهم در *ایران* وظایف نظامی و تشریفاتی بی‌شماری به عهده نقاره‌خانه بود. مثلاً با اصوات و ضرب‌آهنگ‌هایی که برای هر دو طرف (هم فرستنده و هم گیرنده) آشنا بود پیام‌ها و علامت‌هایی برای سربازان می‌فرستاد، در مراسم درباری و عروسی‌ها نواخته می‌شد، گروه سربازان را روانه میدان‌های نبرد می‌کرد، نشانه اقتدار و استقلال بود، در جشن‌های پیروزی استفاده می‌شد (*نقاره صد منی*)، جلوس فرمانروا را بر تخت سلطنت و یا ورودش را به پایتخت و خروجش را از شهر اطلاع می‌داد و اوقات شرعی یا زمان طلوع و غروب آفتاب را در ماه رمضان اعلام می‌کرد.

به غیر از اضافه شدن چندین ابزار جدید روال کار نقاره‌خانه در طول قرن‌ها ثابت باقی ماند. ابزارها شامل نقاره، طبل، دهل، تنبور، کوس، تیره، شاخ، سنج، نی، سرنای، کرنا، نفیر، شیپور، بوق حلزونی و زنگ بودند. *علی اکبر مزین‌الدوله* استاد نقاشی و مترجم فرانسوی مدرسه *دارالفنون* تصاویری از سازهای سنتی کوبه‌ای و بادی نقاره‌خانه را طراحی کرده است (تصاویر دو و سه).^۲ اشعار فردوسی و نظامی به علاوه گزارش‌ها و سفرنامه‌های مسافران اروپایی و روایات تاریخی و زندگی‌نامه‌های قرن دهم تا اوایل قرن بیستم پر از اشاراتی درباره فعالیت نقاره‌خانه‌ها و ابزارهایشان در میدان‌های جنگ، پیروزی و مراسم درباری هستند.^۳

۱. روح‌الله خالقی، موسیقی ایرانی (تهران ۱۳۶۴)، ۷، برای مطالعه بیشتر درباره تاریخ نقاره‌خانه نگاه کنید به: یحیی ذکا، *آئین نقاره‌کوبی در ایران و پیشینه آن*، هنر و مردم، شماره ۱۸۰ (۱۳۵۵): ۲۹-۵۰.

2- A.K.S. Lambton, *Nakkara-khana, encyclopaedia of Islam: new edition* (Leiden, ۱۹۶۰), ۷: ۹۲۷-۳۰.

۲- گرچه حسینعلی ملاح معتقد است این تصاویر نه به دست مزین‌الدوله که توسط ویکتور آدوی‌یل (Victor Advielle) طراحی شده‌اند.

۳- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، تصحیح ژول مول (Julius Mohl)، هفت جلد، (تهران ۱۳۷۰)، ۱: ۹۵، ۱۰۰، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۴۹، ۳۷۲، ۵۷۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۶۱، ۶۹۰، ۶۹۳، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۱۵، ۱۰۲۸، ۱۰۴۰، ۱۰۷۳ تا ۱۷۷۵، ۱۷۷۵، ۱۸۸۲، ۱۸۸۵، ۱۸۹۰، ۱۹۲۵، ۱۹۸۱، ۱۹۹۶، نظامی گنجوی، *خمسه: شرفنامه*، تصحیح بهروز سروستانی (تهران، ۱۳۷۳) ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۵۰، ۲۱۵، ۲۲۵، ۳۳۶، ۴۵۵، ابوالفضل بیهقی، *تاریخ مسعودی* معروف به *تاریخ بیهقی*، تصحیح سعید نفیسی، سه جلد، (تهران، ۱۳۶۱)، ۱: ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۹۸، اسکندربیک ترکمان منشی، ۳، تصحیح ایرج افشار (تهران، ۱۳۳۵)، ۳۷۰، محمد هاشم موسوی آصف، *رستم‌التواریخ*، تصحیح محمد مشیری، (تهران، ۱۳۵۷)، ۹۵، عبدالله مستوفی، *شرح حال زندگانی من*، سه جلد، (تهران، ۱۳۴۳)، ۱: ۴۲۰، ۴۲۱، دوستعلی خان معیرالممالک، *ی‌داداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه*،

در اروپا تا زمان جنگ‌های صلیبی فقط بوق و شیپور ابزارهای موسیقی نظامی بودند. هنری فارمر (Henry Farmer) کارشناس موسیقی نظامی اروپایی معتقد است که تا قبل از این زمان موسیقی نظامی اروپا قالب مشخصی ندارد. بنا به گفته فارمر: "تا آنجا که می‌دانیم گروه موسیقی نظامی اروپایی بدون شک از گروه‌های مسلمانان تقلید کرده است... چیزی که توجه بسیاری از صلیبیون را برانگیخت طبل‌های کمری و نقره‌های مسلمانان بود که تا آن زمان در اروپا ناشناخته بودند".^۱ سربازان نیرومند/میراتورعی عثمانی در قرن ۱۸م/۱۱ه.ش تأثیر مهمی در ساختار گروه‌های موسیقی نظامی اروپا گذاشتند.^۲ از این رو معرفی و ورود موسیقی اروپایی به جهان اسلام فرایند خطی ساده‌ای نبود، عناصر موسیقی نظامی جهان اسلام تا قبل از قرن ۱۹ به خوبی جذب موسیقی نظامی اروپایی شده بود. نقره‌خانه‌ها در/صفهان دوره صفویه و قرن ۱۸ و ۱۹ در جایگاه مرتفعی قرار داشتند که یا بر فراز اقامتگاه سلطنتی و یا بالای دروازه‌های شهر قرار داشت. طبق گفته جواهرساز فرانسوی ژان شاردن نقره‌ها به هنگام تاج‌گذاری شاه صفی دوم از فراز بالکن‌های ورودی بازار قیصریه نواخته شدند و نوای شان «بیشتر از موسیقی به سر و صدای میدان جنگ شباهت داشت و بیست شبانه روز بی‌وقفه نواخته شدند».^۳ شاردن باور داشت که نقره‌خانه‌ها اصولاً پدیده‌ای شهری بوده و ویژگی متمایز هر شهر بزرگی محسوب می‌شدند. او اضافه می‌کند که نقره‌چی‌ها به هنگام طلوع یا غروب آفتاب در بوق‌هایی می‌دمند و بر طبل‌هایی می‌کوبند که اندازه‌ای سه برابر طبل‌های اروپایی دارند^۴ و اشاره می‌کند که غالباً موسیقی نقره‌خانه در هنگام شرفیابی سفرای خارجی به حضور شاه به گوش می‌رسد.^۵ ژان باپتیست تاورنیه که چندین بار در فاصله سال‌های ۱۶۳۲م/۱۱ه.ش و ۱۶۶۸م/۴۷ه.ش به ایران سفر کرد، می‌نویسد که نوای این نوازندگان در تمامی شهر طنین‌انداز می‌شود و آنها در شهرهایی می‌نوازند که اقامتگاه پادشاه و یا خوانین و حکام محلی است و به هنگام نیمه شب و طلوع و غروب آفتاب در سازهایشان می‌دمند و یا بر آنها می‌کوبند. گرچه مشاهدات مسافران اروپایی حاوی اطلاعات گران‌قدری درباره نحوه کار نقره‌خانه‌هاست، بسیاری از گفته‌هایشان بوی نخوت ناخوشایندی می‌دهد. بسیاری از آنها جز آنکه صدای آزارنده نقره‌خانه خواب خوش شب‌شان را برهم زده است چیز دیگری برای گفتن ندارند. در دوران صفوی نقره‌خانه بخشی از عمارت سلطنتی به نام بیوتات سلطنتی بود و زیر نظر وزارت

تهران، (۱۳۶۱)، ۶۰، ۶۱، ۶۶. شاردن، تاج‌گذاری سلیمان سوم پادشاه ایران، (تهران، ۱۳۵۵)، ۱۴۶، ۱۴۷.
Pere Raphael du mans, estat de la perse en 1660 (paris, 1890), 23, 113, 151, Engelbert Kaempfer, Am Hofe des Persischen Grosskonigs, 1684-1685, tr: Walther Hinz (Tubingen and basel, 1977) 157, Gaspard Drouville, voyage en perse pendant les annees 1812 et 1813 (paris, 1819) 47-48, Moritz von Kotzebue, narrative of a journey into Persia in the suite of the Imperial Russian Embassy in the year 1817 (Philadelphia, 1820), 148, 149.

1- Henry George Farmer, the rise and development of military music (New York, 1970), 12, 13.

2 - Farmer, Military Music, 12, 13.

۳- شاردن، تاج‌گذاری، ۱۴۶، ۱۴۷.

۴- شاردن، تاج‌گذاری، ۱۴۶، ۱۴۷.

5- J. Chardin, travels in Persia (repr. London, 1927), 87.

مشعل‌خانه کار می‌کرد.^۱ عنان و اختیار مشاغلی که مرتبه و منزلت اجتماعی چندان نداشتند هم‌چون رقاصان، آوازخوانان، کیوتربازان، صاحبان قمارخانه‌ها، میخانه‌ها و روسپی‌خانه‌ها در دست مشعلدارباشی بود.^۲ گنجاندن نقاره‌چی‌ها در کنار چنین مشاغلی نشان‌دهنده احترام اندکی بود که در این دوره برای نوازندگان قائل می‌شدند. گرچه نقاره‌چی‌ها تا اندازه‌ای نادیده گرفته می‌شدند و وظایف و شیوه کار نقاره‌خانه در دوران صفویه به قرن ۱۸ و ۱۹م نیز کشیده شد.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی خدمات نقاره‌خانه محدود به استفاده در میدان‌های نبرد، مراسم تشریفاتی و اعلام اوقات شرعی می‌شد. *گاسپار دروویل* (Gaspard Drouville) که در سال ۱۸۱۲م به ایران سفر کرده بود، یادآوری می‌کند که نقاره‌چی‌ها ویژگی متمایز هر شهری محسوب می‌شدند که بیگلربیگی یا والی بر آن حکم می‌راند. آنها روبه‌روی دروازه‌های بازار می‌ایستادند و اوقات شرعی و ساعات شروع و تعطیلی مغازه‌ها را اعلام می‌کردند.^۳ در یکی از نقاشی‌های موزه دولتی *ارمیثاژ* (Hermitage Museum) فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا در حال سان تصویر شده‌اند. نقاره‌چی‌ها ایستاده یا سوار بر شتر، فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا و سربازان‌شان را همراهی می‌کنند (تصویر ۴). این نقاشی متعلق به ۱۸۱۵م/۱۱۹۴ه.ش است. ولیعهد عباس‌میرزا به احترام فتحعلی‌شاه (پدرش) روبروی او بر خاک افتاده است. در مراسم تشریفاتی پیش از جنگ، شاهزادگان اسب‌سوار، نقاره‌چی‌های شترسوار، *شاطران* (پیشخدمت‌های جوان) و سربازانی حضور دارند که همگی یونیفرم‌های نظامی اروپایی به تن کرده‌اند. نقاره‌چی‌ها و نوازندگان سبک اروپایی هر دو حی و حاضرند و هر یک وظیفه خودشان را انجام می‌دهند. یکی از آنها به نشانه استمرار و نظمی دیرینه است و دیگری از علاقه به تجدد و رسیدن به جایگاه روس‌ها و اروپاییان خبر می‌دهد (تصویر ۴).

عباس‌میرزا در زمان تصدی‌اش در مقام والی *آذربایجان* یکی از نخستین حامیان موسیقی نظامی به سبک اروپایی در ایران بود.^۴ به غیر از ورود پیانو و چندین ساز اروپایی به ایران که همگی هدیه‌های حکام اروپایی بودند، این عباس‌میرزا بود که برای ایجاد گروه موسیقی نظامی به سبک اروپایی تلاش کرد.^۵ با توجه به نقاشی‌ها و تصاویر به جا مانده از ارتش عباس‌میرزا می‌توان حدس زد که گروه کوچکی از نوازندگان موسیقی نظامی سبک اروپایی به ارتش اضافه شده‌اند که همگی جامه‌های نظامی می‌پوشیده‌اند (تصویر ۵). در نقاشی دیگری از مجموعه *ارمیثاژ* نوازندگان سبک اروپایی در مرکز نقاشی در حال نواختن فلوت و نی هستند (بخش‌هایی از تصویر ۵).

در دوران حکومت محمدشاه (۴۸-۱۸۳۴م/۲۷-۱۲۱۳ه.ش) نقاره‌چی‌ها و دسته موسیقی نظامی اروپایی

1- Tazkerat al-Muluk, facs. Ed. And tr. V. Minorsky as Tadhkirat al-Muluk: a manual of Safavid administration (London, 1943), 51a, 51b.

2 - Du Mans, *Estat de la perse*. 24; kaempfer, *Am Hofe*, 87.

3 - Drouville, *voyage en perse*, 47- 48.

4- Kozebye, *narrative*, 148, 149.

۵- از نوشته روی نخستین پیانویی که به ایران وارد شده می‌توان فهمید که این پیانو هدیه‌ای از سوی ناپلئون به فتحعلی‌شاه قاجار در سال ۱۸۰۶م/۱۱۸۵ه.ش بوده است.

به‌عنوان ساز و برگ در مراسم تشریفاتی و میدان‌های نبرد حاضر بودند. در نقاشی آبرنگ اثر هنرمند و سرهنگ فرانسوی اف. کولومباری (F.Colombari) که در دوران حکومت محمدشاه در ایران خدمت می‌کرد نقاره‌چی‌های شترسوار در حال نواختن بوق و جفجغه هستند (تصویر ۶) و نوازندگان یونیفرم‌پوش سبک اروپایی در تصویری از همان دوره که اثر شاهزاده روسی آکسی سالتی کوف (Alexei Salty Kof) است در مراسم استقبال از ژنرال روسی که در حال عبور از دروازه‌های شهر است مشغول نواختن قطعه‌ای هستند (تصویر ۷). بارون فتودور کورف (Baron Feodor Korf) که در هیئت نمایندگان روسیه در ایران در سال‌های ۳۵-۱۸۳۴م مشغول به کار بود نقاره‌چی‌هایی را توصیف می‌کند که در یک سوی جاده‌ای که به میدان نبرد ختم می‌شد صف می‌بستند و بوق‌های بلند و باریکی را می‌نواختند (احتمالاً کرنای) و به اصوات نقاره‌چی‌ها و دسته نوازندگان سبک اروپایی اشاره می‌کند که به جار و جنجالی کرکننده می‌ماند.^۱ تا قبل از تأسیس مدرسه دارالفنون در نیمه دوم قرن ۱۹م اقتباس اصیلی از موسیقی نظامی به سبک اروپایی در ایران پدید نیامد.

برنامه آموزشی موسیقی نظامی که تقلیدی از مدرسه پلی‌تکنیک فرانسوی بود به مطالعه موسیقی و گروهی تعلیم یافته نیاز داشت. برقراری گروه موسیقی سبک اروپایی در مدرسه دارالفنون و معرفی برنامه قاعده‌مند آموزش موسیقی نظامی از نخستین تلاش‌های واقعی جهت معرفی موسیقی نظامی سبک اروپایی در ایران محسوب می‌شد که اهمیت نقاره‌خانه را زیر سؤال می‌بردند.

گروه موسیقی نظامی دارالفنون در هم شکل کردن آموزش و اجرای موسیقی نظامی و معرفی انواع گوناگون ابداعات، روش‌ها و اصلاحات تخصصی این رشته نقش داشت و بعد از آن بود که واژگانی هم‌چون موزیکچی، موزیکانچی‌باشی، ارکستر، سولفر (نت‌خوانی) و هارمونی متداول گشتند. سازهای اروپایی هم‌چون کلارینت، ترمپت، ابوا (نوعی ساز بادی)، ترومبون (نوعی ساز برنجی بادی) و شیپور فرانسوی وارد ایران و معرفی شدند. موسیقی برای نخستین بار در حکم علم جدیدی تدریس و با آن برخورد شد و کتب درسی‌اش به رشته تحریر درآمدند.^۲ علاوه بر آن موسیقی ایرانی برای نخستین بار طبق روش نت‌نویسی اروپایی رونویسی شد^۳ و اساتید اروپایی با پیروی از شیوه‌ها و الگوهای اروپایی به تعلیم آهنگسازی، هماهنگ‌سازی و رهبری ارکستر پرداختند.

در سال ۱۸۵۶م/۱۲۳۵ه.ش دو فرانسوی به نام‌های بوسکوئه (Bousquet) و رولیون (Roullion)

1- Feodor Korf, vospominaniia o persii,

سفرنامه بارون فتودور کورف (۳۵-۱۸۳۴)، ترجمه اسکندر ذبیحیان (تهران ۱۳۷۲)، ۱۶۴ تا ۱۹۲

۲- محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه، المعاصر والاعصار، تصحیح ایرج افشار، چهل سال تاریخی ایران، سه جلد (تهران ۱۳۶۳)، ۱: ۱۵۰.

۳- تلاش ایرانیان جهت نت‌نویسی موسیقی‌شان در رساله فرصت‌الدوله شیرازی مطرح شده است که درباره موسیقی و هنر شعر است و به سال ۱۲۸۳ه.ش به رشته تحریر درآمده است. محمد قاسم صالح رامسری این اثر را با نام بحارالحان، در علم موسیقی و نسبت آن با عروض تصحیح کرده است (تهران ۱۳۶۷).

فراخوانده شدند تا در *دارالفنون* به آموزش و پرورش نوازندگان بپردازند. اما بوسکوئه دو سال بعد ایران را ترک کرد و وضعیت نامساعد سلامتی رولینون نیز مانع از آن شد تا او گام‌های مهمی در این راستا بردارد. از آنجا که فرانسه همیشه مقام اول را در موسیقی نظامی اروپا به دوش می‌کشید حکومت *ایران* از وزیر جنگ فرانسه، مارشال *ادولف نیل* (Marshal Adolf Neil)، درخواست کرد تا استاد موسیقی متبحر و کاردانی را به آنها معرفی کند. *آلفرد ژان بابتیست لومر* (Alfred Jean-Baptiste Lemaire) برای این شغل انتخاب شد و در سال ۱۸۶۸م/ ۱۲۴۷ه.ش وارد *تهران* شد تا سرپرستی گروه موسیقی نظامی مدرسه *دارالفنون* را به عهده بگیرد و در مقام *موزیکان چی‌باشی* (سرپرست نوازندگان درباری) خدمت کند. لومر به محض ورودش، گروه موسیقی را معشوش یافت و تمام تلاش و انرژی‌اش را جهت احیای دوباره آن به کار بست. در ابتدا موقعیت به نظر لومر ناامیدکننده بود. هنرجویان تماس محدودی با موسیقی داشتند و به سختی می‌توانستند نت‌خوانی کنند. ناتوانایی لومر جهت تکلم زبان فارسی موقعیت را بدتر می‌کرد. بیشتر اساتید فرنگی مدرسه *دارالفنون* دیپلمات‌های شخصی داشتند از این‌رو *مزین‌الدوله* استاد نقاشی که در فرانسه درس خوانده بود به مقام دیپلماتی لومر گمارده شد. لومر با پشتکار فراوان بر موانع چیره شد و توانست تا گروهی با قابلیت‌های بسیار آموزش دهد. تا سال ۱۸۸۵م/ ۱۲۶۴ه.ش هیجده گروه نظامی سازمان یافته وجود داشتند که همگی به دست لومر و شاگردانش تعلیم دیده بودند.

در سال ۱۸۸۵م/ ۱۲۶۴ه.ش افسری فرانسوی به نام *ویکتور آدوی یل* (Victor Advielle) که همراه لومر به *ایران* آمده بود تا موسیقی نظامی تدریس کند رساله‌ای به نام *موسیقی نزد ایرانیان* در ۱۸۸۵م نوشت که درباره جزئیات برنامه درسی لومر در (*La musique chez les persona en 1885*) *دارالفنون* بود.^۱ این رساله که حاوی جامع‌ترین برنامه درسی-آموزشی برای هر رشته‌ای بود اکنون نیز موجود می‌باشد. لومر هر سال گروه جدیدی را تعلیم می‌داد که شامل ده هنرجو می‌شدند از این‌رو پس از ۱۷ سال تدریس در *ایران* لومر بایست تقریباً دویست هنرجو آموزش داده باشد. هنگامی که شاگردان لومر به مهارت قابل قبولی دست می‌یافتند لومر به آنها اجازه می‌داد تا به عنوان *خلفای درسی* (دستیار آموزشی) به هنرجویان ابتدایی آموزش دهند. استفاده از دستیاران آموزشی شیوه رایجی در *دارالفنون* بود که هم به هنرجویان و دانشجویمان فرصت می‌داد تا دانش‌شان را تقویت کنند و هم اساتید کمی از مسئولیت سنگین تدریس رهایی می‌یافتند. مثلاً دانشجویمان سال سوم در دوره‌های مقدماتی تدریس می‌کردند و دانشجویمان سال ششم می‌توانستند انواع مختلف سازهای بادی را آموزش بدهند، لومر نیز وقت کافی داشت تا فضای بیرونی مناسبی در *دارالفنون* تهیه کند تا دانشجویمان بتوانند بدون ایجاد مزاحمت برای دیگر همقطاران‌شان به تمرین مشق‌های روزانه‌شان بپردازند. در عکس تصویر ۸ لومر در کنار دیپلماتش *علی‌اکبر مزین‌الدوله* نشسته و در حلقه‌ای از شاگردانش محاصره شده است.

۱- ویکتور آدوی یل، *موسیقی نزد ایرانیان* در ۱۸۸۵، ترجمه حسینعلی ملاح، هنر و مردم شماره ۱۴۷ (۱۳۵۴): ۲۰ تا ۲۷، شماره ۱۴۸ (۱۳۵۴): ۴۵ تا ۵۱.

دانشجویان به‌عنوان بخشی از برنامه آموزشی هشت ساله‌شان پیانو، سازهای بادی، سولفژ، هارمونی، هماهنگ‌سازی، تئوری موسیقی، رهبری ارکستر و آهنگسازی فرا می‌گرفتند. از آنجا که هیچ کتاب آموزشی به ویژه به زبان فارسی در دسترس نبود لومر و مزین‌الدوله با همکاری یکدیگر کتابی در زمینه تئوری موسیقی ترجمه کردند که تعریف علم موسیقی نام گرفت که در اصل نوشته کُن (Kuhn) از آکادمی موسیقی پاریس بود. لومر و مزین‌الدوله کتاب‌های دیگری نیز در زمینه موسیقی ترجمه کردند که تمامی آنها توسط انتشارات دارالفنون در دهه ۱۳۸۰ م/ ۱۳۵۹ ه.ش منتشر و در کلاس‌های درسی استفاده شدند. بنا به نوشته آدوی‌یل برنامه آموزشی چنین بود:

سال اول: سولفژ، موسیقی نظری، آموزش یک ساز بادی، فارسی و ریاضیات.

سال دوم: سولفژ، موسیقی نظری، اجرای سازی بادی، فارسی و ریاضیات.

سال سوم: سولفژ، موسیقی نظری و تاریخ.

سال چهارم: سازشناسی، هماهنگ‌سازی، هارمونی، فرانسه و جغرافی.

سال پنجم: آموزش ساز دوم بادی، مشق موسیقی نظامی و زبان فرانسه (در پایان سال پنجم دانشجویان گواهی‌نامه موسیقی نظامی دریافت می‌کردند).

سال ششم: هارمونی، پیانو، هماهنگ‌سازی، ریاضی و فرانسه.

سال هفتم: هارمونی، پیانو و فرانسه.

سال هشتم: هارمونی، هماهنگ‌سازی، پیانو، آهنگ‌سازی و رهبری ارکستر.

نگاهی دقیق به برنامه درسی فاش می‌کند که لومر به جای آنکه فقط به آموزش موسیقی نظامی بسنده کند به آموزشی همه جانبه باور داشت. مثلاً دانشجویان مجال داشتند تا مطالبی هم‌چون ادبیات فارسی، ریاضیات، تاریخ، جغرافی و زبان فارسی مطالعه کنند. با این شیوه لومر، موسیقی نظامی اروپایی را در دارالفنون نهادینه کرد و آن را در بافت آموزشی بزرگ‌تری قرار داد.

پشتیبانی دربار عامل مهمی جهت توسعه برنامه آموزشی موسیقی نظامی به شمار می‌رفت که به تدریج نیز در حال گنجانیدن موسیقی کلاسیک اروپایی به برنامه‌هایش بود. ناصرالدین‌شاه از سفرش به اروپا (۱۸۷۳ م/ ۱۲۵۲ ه.ش) چندین پیانو برای دربار سوغات آورده بود که کسی در تهران نمی‌توانست آنها را بنوازد یا کوک کند. محمدصادق‌خان معروف به سرورالملک نوازنده چیره‌دست سنتور و عضو برجسته گروه موسیقی نظامی شاه از این فرصت بهره گرفت و نواختن پیانو را آموخت. او حتی توانست پیانو را بر اساس دستگاه یک‌چهارم کوک کند که مناسب سبک‌های مختلف موسیقی ایرانی بود.^۱ شاه به او دستور داد تا به زنان حرم بیاموزد که چگونه پیانو بنوازند. به زودی شماری از آنها توانستند کنسرت‌های خصوصی برای

۱- دوستعلی‌خان معیرالممالک، رجال عصر ناصری، (تهران ۱۳۶۱)، ۲۸۶، همچنین نگاه کنید به ساسان سپنتا، چشم‌انداز موسیقی ایران (تهران ۱۳۶۷)، ۸۲.

ناصرالدین‌شاه ترتیب دهند و شاه نیز اغلب به آنان سکه‌های طلا و جواهرات پاداش می‌داد.^۱ گرچه ناصرالدین‌شاه برای سرگرمی موسیقی سنتی ایران را می‌پسندید، شیفتگی‌اش نسبت به چیزهای نوظهور و اروپایی او را برانگیخت تا پیشرفت موسیقی سبک غربی را در ایران تشویق و تأیید کند. هنگامی که موسیقی غربی در محافل که شاه حضور داشت نواخته می‌شد او هرگز در دادن پاداش به نوازندگان کوتاهی نمی‌کرد. در سال ۱۸۷۱م/ ۱۲۵۰ه.ش کنسرتی برای ساکنان فرنگی شهر تهران توسط مدیر دارالفنون و وزیر آموزش مخبرالدوله ترتیب داده شد. این کنسرت موقعیتی برای تعامل اجتماعی و نوعی سرگرمی برای رهایی از کندی طاقت‌فرسای شب‌های طولانی زمستان تلقی می‌شد. درآمد این کنسرت صرف کمک به قربانیان خشکسالی شدیدی شد که همان سال رخ داده بود.^۲ به غیر از ساکنان فرنگی بسیاری از درباریان و اشراف نیز در کنسرت حضور داشتند.^۳ لومر در مارس ۱۸۸۲م/ ۱۲۶۱ه.ش مشغول برگزاری دومین کنسرت بود که در آن تعدادی از شاگردانش در مقام تک‌نواز می‌نواختند. برنامه کنسرت بیشتر شامل آهنگ‌هایی بود که از اپراهای اروپایی اقتباس شده بودند مانند ریگولتو (Rigoletto) و تراویاتا (La Traviata) اثر وردی (Verdi)، نورما (Norma) و سونامبول (La Sonnambula) اثر بلینی (Bellini)، لوسیا لمه‌مور (Lucia de Lammemoor) اثر دونیزتی (Donizetti) و چندین قطعه شبه‌ایرانی که به آن اضافه شده بود.^۴

لومر چندین قطعه برای دربار تصنیف کرد که در میان آنها سرود ملی ایرانیان و مارش تاج‌گذاری نیز دیده می‌شود. اکنون نسخه‌ای از پارتیتور^۵ سرود ملی در مجموعه موسیقی کتابخانه عمومی نیویورک نگهداری می‌شود.^۶ در سال ۱۸۸۳م/ ۱۲۶۲ه.ش حکومت ایران پول کافی به لومر داد تا در سفرش به پاریس ابزارها و سازهای موسیقی بیشتری برای مدرسه دارالفنون خریداری کند. این عمل به خواست وزیر آموزش علیقلی میرزا مخبرالدوله انجام شد که شخصاً ناظر پیشرفت دانشجویان موسیقی آن زمان در دارالفنون بود و در جلسات ادواری بازمینی‌ها حاضر می‌شد. توجه مخبرالدوله نشان از این نکته دارد که در زمان او به موسیقی همانند نقاشی به چشم علم و رشته‌ای دانشگاهی نگریسته می‌شد و از این رو بود که در اختیار وزارت آموزش عالی قرار گرفت.

نقاره‌چی‌ها و اعضای دسته‌جات جدید موسیقی نظامی در این ایام در کنار یکدیگر وظایف‌شان را انجام می‌دادند. هر دو هنگام احضار به دربار در برابر شاه می‌نواختند. روی یکی از کاشی‌های کاخ گلستان دسته

۱- معیرالممالک، یادداشت‌هایی، ۲۱.

۲- ایران، ۱۱ ذی‌القعدة ۱۲۸۸/ ۲۶ ژانویه ۱۸۷۲.

۳- فریدون آدمیت، اندیشه تاریخی و حکومت قانون سپهسالار (تهران ۱۳۵۱)، ۴۵۲.

۴- ملاح، موسیقی، ۴۰.

۵- پارتیتور (Partitur) ثبت یک اثر موسیقایی چند صدایی و قاعدتاً برای بیش از یک پارت (ساز و صدای انسان).
(دائرةالمعارف سخن)

6 - Ms New York, New York public library, Otto Kinkeldey memorial collection, music sheet, 85- 576.

موسیقی نظامی سبک اروپایی دیده می‌شود که در حال اجرای موسیقی هستند و یونیفرم‌های نظامی اروپایی به تن کرده‌اند و سازهای اروپایی می‌نوازند (تصویر ۹). گاهی اوقات شاگردان لومر این امتیاز نصیب‌شان می‌شد تا کنسرت‌های خصوصی برای شاه ترتیب دهند.^۱ در کاشی دیگری از کاخ گلستان ناصرالدین‌شاه دیده می‌شود که در کنسرت خصوصی پیانو حضور یافته است (تصویر ۱۰). به گفته یکی از منابع ناصرالدین‌شاه به هنگام بازدیدهای سالانه‌اش از دارالفنون نسبت به دیگر کلاس‌های مدرسه بیشتر از همه به کلاس‌های موسیقی توجه می‌کرد.^۲ هم‌چنین از دسته موسیقی نظامی خواسته شده بود تا در مراسم آغاز و پایان تعزیه بنوازند. براساس کتابچه مدرسه در سال ۱۸۸۴م/۱۲۶۳ه.ش دانشجویان موسیقی در مراسم عاشورا نواختند و در نمایش تعزیه شرکت کرده و در سوگ شهادت امام حسین به اجرای برنامه پرداختند. در کتابچه نوشته شده که طی عاشورا همه دانشجویان باید هر روز در مدرسه حاضر باشند و بعد از تمرین در حیاط مدرسه و صرف نهار همراه مزین‌الدوله به تکیه رفته و تا شامگاه مشغول اجرای مراسم باشند.^۳ دکتر یوئانس فووریه (Dr Joannes Feuvrier) یادآوری می‌کند که در تعزیه‌ای یکی از اعضای گروه سلطنتی موسیقی نظامی مارش فرانسوی آتشکاران نانتر (Popiers de Nanterre) را به هنگام قدمرو در برابر شاه نواخت.^۴ دوستعلی‌خان معیرالممالک جزئیات حرکت دسته جمعی نقاره‌چی‌ها و نوازندگان سبک اروپایی را شرح می‌دهد که توسط مزین‌الدوله قبل از اجرای نمایش تعزیه رهبری شدند. او می‌نویسد اولین گروه نوازندگان موسیقی نظامی اروپایی سازهای نقره‌ای حمل می‌کردند که هدایای ملکه ویکتوریای انگلستان به ناصرالدین‌شاه بودند، گروه دوم که سوار بر اسب بودند نوازندگان بریگارد قزاق (Cossack brigade) بودند که رهبری‌شان به عهده غلام‌رضا مین‌باشیان ملقب به سالار معزز بود و دسته سوم نیز قدمرو می‌رفتند. شتران آراسته شده که متعلق به زنبورک‌خانه سلطنتی و نقاره‌خانه بودند نیز در مراسم حضور داشتند.^۵

دلیل مهم حمایت ناصرالدین‌شاه از گروه موسیقی مدرسه دارالفنون از اشتیاق سبک‌سرانه‌اش به خوشحال کردن یکی از مقربان مورد علاقه‌اش یعنی غلامعلی عزیزالسلطان مشهور به ملیجک سرچشمه می‌گرفت. شاه فرمان داده بود تا کلاس موسیقی ویژه‌ای برای ملازمان ملیجک ترتیب دهند تا آنها نواختن سازها را بیاموزند و بتوانند برای سرگرمی ملیجک بنوازند. این کلاس اولین بار در ۱۸۸۲م/۱۲۶۱ه.ش آغاز شد یعنی زمانی که ملیجک فقط پنج سال داشت.^۶ علاقه روزافزون شاه در این زمان به موسیقی، نمایش و نقاشی

۱ - در کتابچه مدرسه دارالفنون، ۲۸ دی‌الحجه ۱۳۰۲ه.ق/۸ اکتبر ۱۸۸۵م یادداشت شده است که دانشجویان موسیقی شنبه شب به کاخ رفته و تا صبح برای شاه نواختند.

۲ - محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، تصحیح ایرج افشار (تهران ۱۳۵۶)، ۳۰۴.

۳ - کتابچه مدرسه دارالفنون، ۲۸ دی‌الحجه ۱۳۰۲ه.ق/۸ اکتبر ۱۸۸۵.

4 - J. Feuvrier, trios ans a la cour de perse (paris. 1906) 121-31.

۵ - معیرالممالک، رجال، ۶۶ و ۶۵.

۶ - مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران، شش جلد (تهران ۱۳۴۷)، ۶: ۱۵۷.

ناشی از این واقعیت نیز بود که چنین موضوعاتی در دههٔ آخر قرن نوزدهم در مدرسهٔ دارالفنون فراگیر شده بودند. در این زمان شاه که از پیش به فعالیت‌های مدرسه بدگمان شده بود امر به تغییر برنامه‌های آموزشی دقیق و سرسختانهٔ موسیقی نظامی داد و فعالیت مدرسه بر هنر متمرکز شد. دلیل چنین تغییری شاید به این خاطر بود که شاه از حمایت و پشتیبانی موضوعاتی چون موسیقی، عکاسی، نقاشی و نمایش در مقایسه با موضوعات علمی و نظامی بیشتر احساس امنیت می‌کرد. گویا شاه تصور می‌کرد چنین موضوعاتی کمتر مستعد رخنهٔ فعالیت‌های سیاسی مخالف هستند.

احتمالاً مهم‌ترین کوشش لومر طی دوران طولانی تصدی‌اش در دارالفنون معرفی نت‌خوانی و نت‌نویسی بود. قبل از او ایرانیان، موسیقی سنتی‌شان را بر اساس گوشه‌ها و منابع آهنگین متفاوت تنظیم می‌کردند و آنها را براساس نشانه‌های رایج و شناخته شده نمی‌نوشتند. موسیقی سنتی و کلاسیک ایرانی اساساً از طریق تقلید از استاد، حافظه و تکرار منتقل می‌شد. لومر روش قاعده‌مند نت‌نویسی را معرفی کرد و برای نشانه‌گذاری موسیقی ایرانی روش مناسبی ابداع کرد. علاوه بر آن لومر با اقتباس از رقص‌های محلی ایرانی آهنگ‌هایی برای پیانو ساخت که مشهورترین آنها قطعه‌ای در دستگاه همایون است و با نام *آواز و تصنیف ایرانی* در پاریس در سال ۱۸۸۳/م ۱۲۶۲ ه.ش منتشر شد. لومر در سال ۱۸۹۹/م ۱۲۷۸ ه.ش به همراه مظفرالدین‌شاه به پاریس رفت. مظفرالدین‌شاه در سفرنامه‌اش به اروپا می‌نویسد که بسیار تحت‌تأثیر لومر و اجرای شاگردانش قرار گرفته و بسیار خوشحال شده است که آنها متن موسیقی آثارشان را در پاریس منتشر کرده و آوازهٔ جهانی کسب کرده‌اند.^۱

چندان آشکار نیست که آیا تلاش‌های لومر هیچ اثر مهمی بر موسیقی سنتی ایران داشته است یا خیر اما یقیناً برنامهٔ آموزشی‌اش در کل موجب فراهم شدن نظم، سازمان‌دهی و ایجاد روش علمی برای آموزش موسیقی و موسیقی نظامی شد. در وهلهٔ اول به نظر می‌رسد که مطالعهٔ موسیقی در دارالفنون دورهٔ گذرایی بوده که چندان تأثیر دراز مدتی نداشته است. اما بررسی دقیق و کامل تلاش‌ها و اقدامات برنامهٔ آموزشی لومر جهت ایجاد موسیقی نظامی سبک غربی و موسیقی کلاسیک در ایران نشان می‌دهد که طبق معیارهای جهانی نوازندگان مستعد و موفق بسیاری در مدرسه آموزش دیده بودند که قادر بودند میراث لومر را ادامه دهند. زحمات لومر باعث شد موزیکان‌چی‌باشی بعدی نه فردی اروپایی که ایرانی تعلیم دیده‌ای باشد. در قابی کاشیکاری شده که به سفارش لومر در سال ۱۸۸۴/م ۱۲۶۳ ه.ش ساخته شد او با افتخار *میرزا ابوالحسین خان*، یکی از شاگردانش را به عنوان *موزیکان‌چی‌باشی* معرفی می‌کند (تصویر ۱۱). پس از مرگ لومر در سال ۱۹۰۹/م ۱۲۸۸ ه.ش شاگردش *سالار معزز سرپرست* ارکستر سلطنتی و بعدها سرپرست نوازندگان *بریگارد قزاق گشت*. *سالار معزز* پسرش را واداشت تا هم‌چون خودش به تحصیل موسیقی بپردازد. از آن پس موسیقی نظامی با چندین مورد استثناء توسط ایرانیان آموزش داده و اجرا شد.

۱ - مظفرالدین‌شاه قاجار، *سفرنامه مبارکه شاهنشاهی* (تهران ۱۲۷۹)، ۹۶. ممکن است نسخه‌ای از متن موسیقی‌ها در کنسرواتوار ملی موسیقی در پاریس یافت شود.

هارمونی یا قیل و قال: ... / صفورا فضل‌اللهی

سالار معزز با تأسیس مرکز جدید و مستقلی میراث لومر را جهت آموزش موسیقی نظامی فرنگی در تهران احیاء کرد. این مرکز همانند دارالفنون ضمیمه وزارت آموزش عالی بود. از این رو می‌توان گروه موسیقی دارالفنون را پیش‌درآمدی بر نخستین کنسرواتوار موسیقی و ارکستر سمفونیک ایران و گروه موسیقی دانشگاه تهران (افتتاح به سال ۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۴ ه.ش) تلقی کرد که همگی به دست حلقه شاگردان لومر و جانشینانش افتتاح شدند (تصویر ۱۲).

گرچه ممکن است معرفی و عرضه موسیقی فرنگی فعالیت‌های نقاره‌خانه را به حاشیه رانده باشد موسیقی فرنگی جای نقاره‌خانه را نگرفت. خدمات نقاره‌خانه تا دهه سوم قرن بیستم هنوز در ایران خواهان داشت. محمد ابراهیم تحویلدار در کتابش که به سال ۱۸۷۷ م/ ۱۲۵۶ ه.ش تألیف کرده است اهل طرب و کارکنان نقاره‌خانه را نیز در میان طبقات مختلف جامعه اصفهان می‌گنجاند.^۱ در تصویری از کتاب ژان دیولافوئا (Jane Dieulafoy) با نام ایران، کلد و شوش (La perse, la Chaldee et la Susiane) نقاره‌چی‌ها در حال خوش‌آمدگویی به سینه‌دم هستند (تصویر ۱۳). جورج کرزون (George Curzon) نیز تأیید می‌کند که نقاره‌خانه تهران در سال ۱۸۸۰ م/ ۱۲۵۹ ه.ش در میدان شاه قرار داشت یعنی بیرون از باغ‌های وزارت جنگ و قسمت جنوبی محوطه کاخ، هم‌چنین توپ مروارید مشهور که نمادی از توجه شاه نسبت به نوگرایی نظامی بود نیز در همین میدان قرار داشت^۲ (تصویر ۱۴). مکان و نوع معماری آخرین نقاره‌خانه قاجار شبیه نقاره‌خانه‌های دوره صفوی بود و نقاره‌چی‌ها همانند هم‌تایانشان در دوره صفوی در سال ۱۸۸۰ م/ ۱۲۵۹ ه.ش از فراز مهتابی‌های رفیع دروازه شهر می‌نواختند.

موقعیت و فعالیت نقاره‌خانه‌ها چندین دهه بعد از تأسیس و برقراری دسته موسیقی نظامی اروپایی در مدرسه دارالفنون تغییری نکرد و ثابت باقی ماند. بنا به گفته عبدالله مستوفی بعد از پذیرش قانون اساسی سعی شد تا فعالیت نقاره‌خانه‌ها را متوقف کنند و حقوق‌شان را به این بهانه نپردازند که قدیمی و محجور هستند. این تلاش‌ها بیهوده بود، نقاره‌چی‌ها باقی ماندند و مراسم روزانه‌شان را از سر گرفتند البته بدون آنکه پولی دریافت کنند تا اینکه چند ماه بعد حقوق معوقه‌شان را پس گرفتند.^۳ رضا شاه پهلوی نیز پس از آنکه به قدرت رسید جهت اعلام پادشاهی و تاج‌گذاری‌اش به سال ۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۴ ه.ش به نقاره‌چی‌ها اتکا کرد درست به همان شکلی که چند قرن پیش از او شاه سلیمان چنین کرده بود.^۴ در دهه ۱۳۰۹ ه.ش تعداد نقاره‌خانه‌ها کم و کمتر شد و عاقبت به گروهی از نوازندگان تقلیل پیدا کرد که تعدادشان از انگشتان دست فراتر نمی‌رفت و در دهه ۱۳۱۹ ه.ش دیگر هیچ نشانی از آنها دیده نشد.^۵

گرچه نوای نقاره‌خانه به نظر برخی مسافران و دیپلمات‌های فرنگی آزاردهنده می‌آمد و به قیل و قال

۱ - حسین بن محمد ابراهیم تحویلدار، جغرافیای اصفهان، تصحیح منوچهر ستوده (اصفهان ۱۳۴۲)، ۱۲۶.
2 - George N. Curzon, Persia and the Persian question. 2 vols, (London 1892). 2: 308-9.

۳ - مستوفی، شرح زندگانی، ۱: ۴۲۰ و ۴۲۱.

۴ - مستوفی شرح زندگانی، ۱: ۵۶۳ و ۵۶۴.

۵ - تنها نقاره‌خانه‌ای که اینک در ایران باقی مانده و هنوز مشغول به کار است در شهر مشهد قرار دارند.

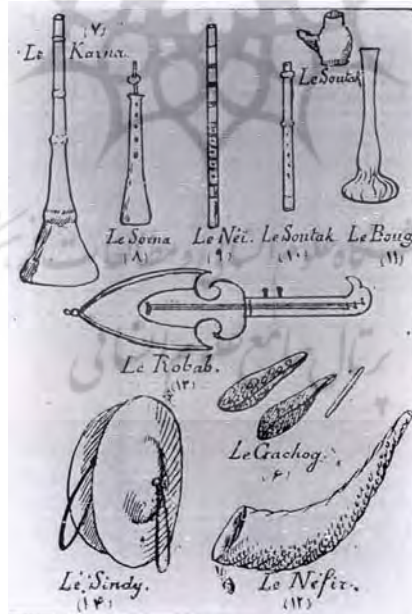
هارمونی یا قیل و قال... / صفورا فضل‌اللهی

می‌مانست، آهنگ نقاره‌خانه در طول تاریخ ایران به نشانه قدرت پادشاهی و همبستگی بود. این نغمه برای ایرانیان بیانگر سازگاری و اطمینان خاطر بود و به این معنا بود که فرمانروا قدرتمند است و بر قلمرو و مردمش فرمان می‌راند. همچنین نقاره‌خانه با صدایی بلند و شفاف ضرب‌آهنگ زندگی روزانه را تکرار می‌کرد. تازگی و اشتیاق دربار به موسیقی نظامی فرنگی عاقبت صدای نقاره‌خانه‌های باستانی را خاموش کرد. امروز نوای گاه و بی‌گاه نقاره‌خانه فقط در تعداد محدودی از شهرهای ایران به گوش می‌رسد.





ابزار تقاره‌چی‌ها



ابزار تقاره‌چی‌ها

هارمونی یا قیل و قال... / صفورا فضل‌اللهی



ابزار تقارہ چی‌ها



خیرمقدم به ژنرال روسی آلکسی سالتیکوف

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

هارمونی یا قیل و قال:... / صفورا فضل‌اللهی

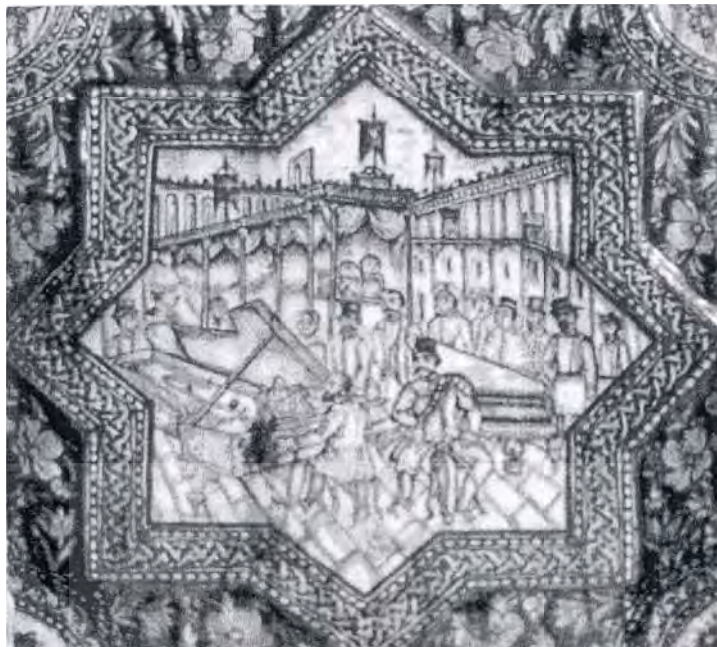


زنبورکچی‌های شترسوار

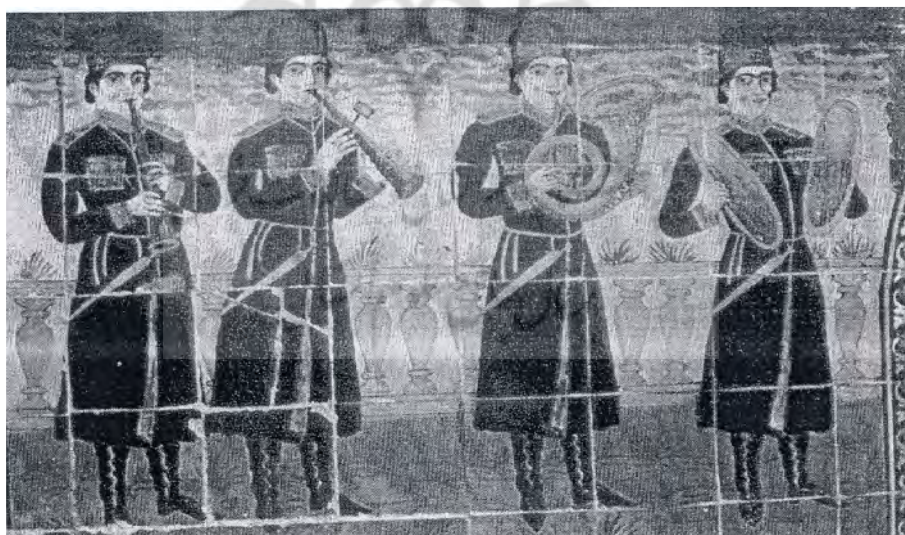


سان نظامی فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ / زمستان ۱۳۹۰



کاشی کاخ گلستان، ناصرالدین‌شاه در حال گوش دادن به پیانو



کاشی کاخ گلستان، گروه موسیقی نظامی

هارمونی یا قیل و قال:... / صفورا فضل‌اللهی



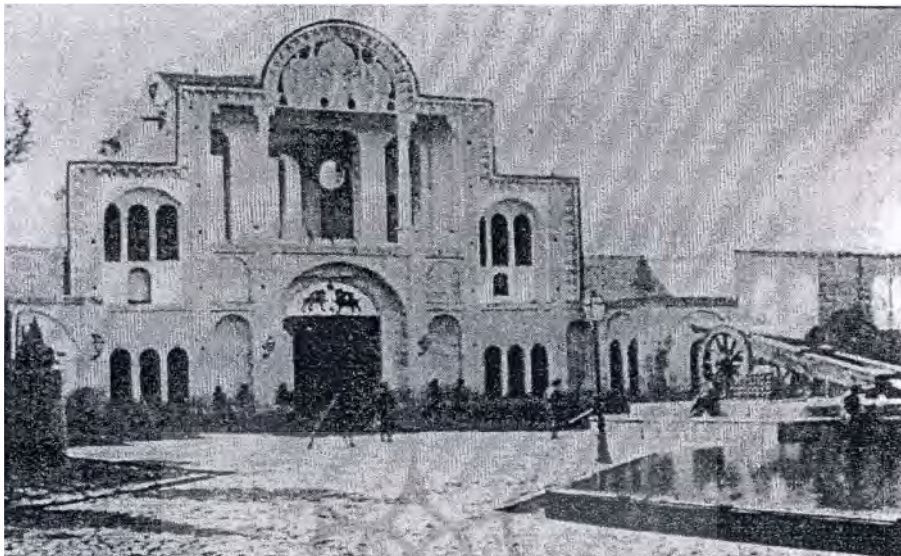
لومر، علی‌اکبر خان مزین‌الدوله و دانش‌آموزان دارالفنون



نبرد عباس‌میرزا و نیروهای روسیه

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

هارمونی یا قیل و قال... / صفورا فضل‌اللهی



تقارخانه و توپ مروارید



تقارچه‌چی‌ها

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰